

گفتگو

۱۵
در تاریخ هنر و معماری ایران زمین
فصلنامه، سال پنجم، شماره ۱ (شماره پیاپی ۱۵)
بهار ۱۳۸۸



t.me/asmaaneh
asmaaneh.com

گولستان

در تاریخ هنر و معماری ایران زمین

فصلنامه، سال پنجم، شماره ۱ (شماره پیاپی ۱۵)، بهار ۱۳۸۸
شاپا: ۳۸۹۰-۱۷۳۵
دارای اعتبار علمی- پژوهشی از نظر فرهنگستان‌های چهارگانه جمهوری اسلامی ایران

صاحب امتیاز: فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران
مدیر مسئول: میرحسین موسوی
سردبیر: مهرداد قیومی بیدهندی

اعضای هیئت تحریریه:
یعقوب آژند استاد دانشگاه تهران
زهره‌اوری استادیار دانشگاه شهید بهشتی
شهرام یازوکی دانشیار مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران
اکبر حاجی‌ابراهیم زرگر استاد دانشگاه شهید بهشتی
سیدمهدی حسینی استاد دانشگاه هنر و عضو پیوسته فرهنگستان هنر
محمدرضا رحیم‌زاده استادیار دانشگاه شهید بهشتی
زهره رهنورد استاد دانشگاه تهران و عضو پیوسته فرهنگستان هنر
مهرداد قیومی بیدهندی استادیار دانشگاه شهید بهشتی و عضو وابسته فرهنگستان هنر
هایده لاله استادیار دانشگاه تهران
هادی ندیمی استاد دانشگاه شهید بهشتی و عضو پیوسته فرهنگستان علوم

ویراستاران: ولی‌الله کاوسی، مهدی گلچین عارفی، مهدی مقیسه
مترجم خلاصه انگلیسی: مریم قیومی
طراح جلد: پارسا بهشتی
امور دفتری: طیبه ایللیات

لیتوگرافی: فرارنگ
چاپ و صحافی: شادرننگ؛ کیلومتر ۱۴ جاده مخصوص کرج،
بعد از چهارراه ایران‌خودرو، خ ۴۹، ک دوم، ش ۸،
تلفن: ۴۴۱۹۴۴۴۲

نشانی دفتر مجله: تهران، خ ولی‌عصر (ع)، جنب پارک ساعی، ش ۱۱۰۵،
کد پستی ۱۵۱۱۹۱۳۵۱۱
تلفن و دورنگار: ۸۸۷۲۸۱۵۲
نشانی شبکه: www.honar.ac.ir/golestanehonar.htm
پست الکترونیک سردبیر: Qayyoomi@eiah.org

مهرداد قیومی بیدهدی ♦ سخنی در منابع مکتوب تاریخ معماری ایران و شیوه جستجو در آنها ♦ ۵

فرهاد نظری ♦ کتاب عکس علی خان والی ♦ ۲۱

عمادالدین شیخ‌الحکمایی، محمودرضا جعفریان ♦ کتابچه برآورد مخارج راه‌سازی مازندران از حسین‌قلی قاجار مهندس ♦ ۳۶

فرهاد تهرانی، شیما بکاء ♦ معرفی و تحلیل نخستین نقشه مسطحه شهر تهران ♦ ۴۵

محمد مهدی عبدالله‌زاده ♦ معمار دوره گذار، نگاهی به خاطرات ممتحن‌الدوله ♦ ۵۳

سیدحسین رضوی برقی ♦ معماری حمام در متون طب کهن و مقدمه رساله دلاکیه ♦ ۶۴

فاطمه گلدار ♦ مقام و مصداق‌های آن در سفرنامه ناصر خسرو ♦ ۷۱

مهدی مکی‌نژاد ♦ کاشی‌کاران گمنام دوره قاجاریه (۲): خاندان خاک‌نگار مقدم ♦ ۸۰

عباس حسینی ♦ بچه‌خوانی، نخستین کتاب‌های مصور کودک و فرهنگ عامه در ایران ♦ ۸۷

علیرضا اسماعیلی ♦ نور علی برومند، گنجینه موسیقی ایرانی، به روایت اسناد ♦ ۹۷

حسین عصمتی ♦ تأثیر ادبیات حماسی فارسی بر نگارگری ایرانی ♦ ۱۰۷



◆ **گلستان هنر** فصلنامه‌ای است پژوهشی در زمینه تاریخ هنر و مطالعات تاریخی هنر و معماری حوزه تمدنی ایران بزرگ، که در فصل منتشر می‌شود.

◆ **مقالات گلستان هنر** میان آراء صاحبان آنهاست.

◆ هرگونه استفاده از مطالب و تصاویر **گلستان هنر** فقط با ذکر مأخذ بلامانع است.

◆ **گلستان هنر** در این موضوعها مقاله می‌پذیرد:

مبانی نظری تاریخ هنر، روش‌های تاریخ‌نویسی هنر، منابع تاریخ هنر ایران، مطالعات تاریخی موازیت هنری حوزه تمدنی ایران بزرگ (جهان ایرانی)، مطالعات تاریخی هنرهای معاصر ایران، نقد و بررسی کتاب و مقاله در زمینه تاریخ هنر، معرفی کتاب در زمینه تاریخ هنر.

◆ مقاله را به یکی از این نشانی‌ها بفرستید:

۱. Qayyoomi@ciah.org

۲. دورنگار: ۸۸ ۷۲ ۸۱ ۵۲

۳. با پست سفارشی یا پستتاز به نشانی:

تهران، خ. ولی عصر(ع)، جنب پارک ساعی، ش ۱۱۰۵،

کد پستی ۱۵ ۱۱۹ ۱۳ ۵۱۱

◆ پاسخ داوری مقاله حداکثر ۶۰ روز پس از رسیدن به دفتر مجله از طریق پست الکترونیکی یا دورنگار به صاحب مقاله اعلام می‌شود.

◆ لطفاً در تنظیم مقاله به این نکته‌ها توجه کنید:

- مقاله‌تان را حداکثر در ۶۰۰۰ کلمه (در حدود ۲۰ صفحه تایپ‌شده) در قالب Word یا Open Office یا InDesign تهیه کنید.

- هر مقاله باید چکیده داشته باشد؛ حداکثر در ۲۵۰ کلمه.

- مأخذ هر نوع نقل قول، مستقیم یا غیرمستقیم، را به دقت ذکر کنید.

- از ارجاع به روش درون‌متنی (نظام نویسنده- تاریخ) خودداری کنید.

کوتاه‌نوشت‌ها و نشانه‌ها

پ صفحه پشت (در نسخه خطی / عکسی)

ت تصویر؛ شکل؛ نمودار؛ جدول

ج جلد

چ نوبت چاپ

ح در حدود

حک حکومت

ر صفحه رو (در نسخه خطی / عکسی)

ر-پ صفحه رو و پشت (در نسخه خطی / عکسی)

س سطر

سم سانتی‌متر

ش شماره (قبل از عدد)؛ هجری شمسی (بعد از رقم)

ص صفحه؛ صفحات

ف فوت

ق هجری قمری (بعد از رقم)

ق م قبل از میلاد مسیح (بعد از رقم)

گ برگ

م میلادی (بعد از رقم)

م م میلی‌متر

م- مترجم

نک: نگاه کنید به؛ رجوع کنید به

و ولادت

و- ویراستار

همان همان مؤلف و همان اثر (در بی‌نوشت، در ارجاع مکرر و بلافاصله به اثری)

همان‌جا همان اثر و همان صفحه (در بی‌نوشت، در ارجاع مکرر و بلافاصله به اثری)

/ یا؛ جداکننده دو مصرع از یک بیت

[] مشخص‌کننده افزوده‌های نویسنده یا مترجم یا ویراستار به متن منقول

{ } مشخص‌کننده افزوده‌های نویسنده یا مترجم یا مصحح اول در مطالب نقل در نقل

تکرار نام مؤلف (در کتابنامه)

- مشخصات مختصر هر منبع (نویسنده، نام کتاب یا مقاله، جلد و صفحه) را در بی‌نوشت و مشخصات کامل آن را در کتاب‌نامه بیاورید.

- از به‌کاربردن حروف غیرفارسی در متن مقاله خودداری و آنها را به پانویشت منتقل کنید؛ مگر در مباحث واژه‌شناسی.

- معادل اصطلاحات غیرفارسی یا اصطلاحات نامأنوس را در پانویشت بیاورید (عنداللزوم همراه با توضیح).

- اعلام غیرفارسی را، به زبان اصلی و از روی منابع معتبر به همراه تاریخ ولادت و وفات کسان، در پانویشت بیاورید.

- کلمات مهجور را اعراب‌گذاری یا آوانویسی کنید.

- در رسم‌الخط از دستور خط فارسی (مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی) پیروی کنید.

- در مورد متن ترجمه‌شده، اصل متن را نیز، با ذکر دقیق مأخذ آن، به ترجمه پیوست کنید.

- در متون ترجمه‌شده، زیرنویس هر نوع تصویر و نمودار و جدول را ترجمه کنید؛ و در متون تألیفی، برای هر نوع تصویر و نمودار و جدول شرح بیاورید.

- افزوده‌های نویسنده یا مترجم در عبارات منقول را در میان کروشه [] بیاورید.

- در مطالب منقول، افزوده‌های مؤلف یا مترجم یا مصحح اول را در میان آکولاد { } بیاورید.

- مطالب منقول را در میان گیومه روی سطر « » بیاورید.

- مطالب نقل در نقل در میان گیومه بالای سطر ' ' بیاورید.

- در موارد لازم، از راهنمای کوتاه‌نوشت‌ها و نشانه‌های زیر استفاده کنید.

- تصاویر مقاله را به صورت پرونده رایانه‌ای همراه مقاله تحویل دهید و در مقاله، شرح آنها را با ذکر مأخذ تصویر بنویسید.

- تصاویر باید در قالب tiff و دقت دست‌کم ۳۰۰ dpi تهیه شده باشد.

A.D. بعد از میلاد مسیح

B.C. قبل از میلاد مسیح

c. در حدود، در حوالی

ch. فصل

ed. ویراستار؛ مصحح

eds. ویراستاران؛ مصححان

f. و بعد؛ صفحه بعد

ff. و بعد؛ صفحات بعد

fig. تصویر

figs. تصاویر

ibid. همان مؤلف و همان اثر (در بی‌نوشت، در ارجاع مکرر و بلافاصله به اثری)

no. شماره

nos. شماره‌های

p. صفحه

pp. صفحات

pl. لوحه

pIs. لوحه‌ها

r. صفحه رو (در نسخه خطی / عکسی)

trans. ترجمه

v. صفحه پشت (در نسخه خطی / عکسی)

vol. جلد

vols. جلد‌ها



نورعلی برومند، گنجینه موسیقی ایرانی، به روایت اسناد

در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ش، در اوضاع و احوالی که موسیقی اصیل ایرانی، همچون دیگر مظاهر فرهنگ ایرانی، مقهور فرهنگ غربی شده بود و با رواج موسیقی‌های بی‌محتوا و سطحی، رو به زوال و انحطاط می‌رفت، نورعلی برومند در صحنه موسیقی ایران ظهور کرد و با ترویج شیوه تدریس سینه‌به‌سینه موسیقی سنتی، در نجات و اعتلای آن کوشید.^۲

او «سرسختانه و کاملاً آگاهانه» با درآمیختن موسیقی غربی با موسیقی سنتی ایران مخالف بود و معتقد بود که «اگر قرار است موسیقی ما تغییری پیدا کند یا تغییری در موسیقی ما داده شود»، این کار باید به تدریج در مسیر تاریخی آن صورت گیرد.^۳ او همچنین با بدیه‌نوازی غلط مخالف بود و اغلب به هنرجویانش تأکید می‌کرد که «ردیف‌ها را خوب یاد بگیرند. وقتی خوب مسلط شدند، براساس آنها بداهه‌نوازی کنند و قطعه‌های نوتری پدید بیاورند.»^۴ به قول استاد علی‌اکبر شکارچی، تسلط و احاطه برومند بر چهار مقوله «ردیف‌سازی»، «ردیف آوازی»، «ریتم» و «شناخت وزن شعر فارسی و ارتباط آن با ریتم موسیقی» جامعیتی در او پدید آورده بود که بی‌گمان برای آن نظیری در اقران و معاصرانش نمی‌توان جست.^۵

برومند در سال ۱۲۸۵ش در تهران متولد شد. پدرش، عبدالوهاب‌خان برومند، از جواهرسازان و جواهرشناسان معروف تهران بود که در زمینه پرورش گل نیز مهارت داشت. خانه آنان، در محله امیریّه تهران، با باغ مصفایش کانون و محفل بزرگان موسیقی ایران بود و همواره از آن نوای تار درویش‌خان، ویولن حسام‌السلطنه، آواز طاهرزاده و سایر هنرمندان معروف آن زمان به گوش می‌رسید.^۶

برومند، که در چنین محیطی پرورش یافته بود، از همان دوران طفولیت «به موسیقی عشق و علاقه» پیدا کرد و «نواهای موسیقی» در روحش اثر فراوان گذاشت؛ چنان‌که از هفت سالگی ضرب می‌نواخت و استادان بزرگ را با ضرب همراهی می‌کرد.^۷ برادرش، محمودعلی برومند، روایت جالبی از شیوه فراگیری ضرب نورعلی دارد:

بچه که بودیم، یک پیراهن بلند می‌پوشیدیم، با یک شلوار. نوری بیشتر توی اتاق‌ها بود و من بیشتر بیرون

نورعلی برومند (۱۲۸۵-۱۳۵۵ش) از حاملان اصلی ردیف موسیقی ایرانی از دوران گذشته به روزگار ماست. او تار را نزد درویش‌خان، سنتور را نزد حبیب سماعی، ردیف میرزا عبدالله را نزد اسماعیل قهرمانی، و آواز را نزد سیدحسین طاهرزاده آموخت و از تجارب استادان مصمصام‌الدوله، رضا روانبخش، عبدالله دوامی، و حاج آقا محمد ایرانی مجرد بهره برد. او موسیقی اروپایی را نیز در آلمان آموخت. برومند سال‌ها مدرس موسیقی دانشکده هنرهای زیبا و از مؤسسان مرکز حفظ و اشاعه موسیقی ملی بود. او از چهره‌های شاخص تاریخ موسیقی ایرانی است و در حفظ و انتقال سنت موسیقی ایرانی به روزگار ما نقش مهمی داشته است. در این مقاله، اسنادی درباره برومند و زندگی او منتشر و بررسی می‌شود.



نیز آشنایی کامل داشت؛ و همان طور که خود گفته، اگرچه «از صوت خوش بی نصیب» بود؛ «برای اطلاع از رموز خوانندگی، از وجود یکی از مشهورترین خوانندگان اصیل عصر خود، به نام سیدحسین طاهرزاده» استفاده کرد و «آنچه طاهرزاده در خوانندگی خود به کار می برد آنها را به وسیله خود او روی نوار ضبط» کرد و «به تتبع و مطالعه دقیق روی آنها» پرداخت تا بتواند «حالات الحان و نغمات ملی را، هم روی ساز و هم روی آواز به خوبی مقایسه» کند و خصوصیات آنها را دریابد.^{۲۵} او در آواز از سبک طاهرزاده، که منتسب به مکتب آواز اصفهان بود، استفاده می کرد.^{۲۶} از آنجا که برومند سه تار را از «سازهای اصیل و قدیمی و کامل موسیقی ایران» می دانست، در «نوازندگی این ساز اصیل و اهل دل» کوشش بسیار کرد.^{۲۷}

برومند در مسیر کسب دانش موسیقی سنتی، به جز استادانی که ذکر شد، از تجارب ارزشمند کسانی همچون صمصام الدوله، رضا روانبخش، عبدالله دوامی، و حاج آقا محمد ایرانی مجرد بهره برد؛ و در واقع، همچنان که خود گفته است، «استاد مطلع و سرشناسی در مملکت نبود که از محضرش استفاده» نکند و «یا از شاگردی اش بهره مند» نشود؛^{۲۸} «خلاصه آن که هر کجا و هر گوشه که اطلاع پیدا می کردم که آهنگ اصیلی وجود دارد اقدام در آموختن و به دست آوردن آن می کردم.»^{۲۹}

برومند پس از مراجعت به ایران، با کمک و تشویق نوری اسفندیاری، وزیر وقت پیشه و هنر، که نسبت دوری هم با خانواده او داشت، به استخدام وزارت فرهنگ (آموزش و پرورش وقت) درآمد؛^{۳۰} و از سال ۱۳۱۸ تا ۱۳۴۳ش به تدریس زبان و ادبیات آلمانی در هنرسرای عالی و دانشکده ادبیات دانشگاه تهران پرداخت.^{۳۱}

در سال ۱۳۴۴ش، با درخواست دکتر مهدی برکشلی، مدیر گروه موسیقی دانشکده هنرهای زیبا، برومند مأمور تعلیم ردیف موسیقی ایرانی در کلاس های آن دانشکده شد.^{۳۲} پس از سه سال تدریس برومند در دانشکده، برکشلی طی نامه ای به معاون تعلیماتی و تحقیقاتی دانشکده هنرهای زیبا، از سوابق درخشان برومند در موسیقی یاد کرد و خدمات شایسته و یگانه او در تعلیم و ترویج موسیقی سنتی بین دانشجویان را برشرد و او را «تها وارث سنت قدیمی موسیقی ایرانی» و «وارث

حقیقی گنجینه گران بهای موسیقی ملی» نامید؛ و بر اساس پیشنهاد شورای گروه موسیقی، خواستار تصویب درجه استادی او شد. با توجه به نکات مهمی که در این نامه در خصوص نورعلی برومند و وضع موسیقی سنتی ایران در آن زمان هست، متن کامل آن در ذیل عرضه می شود:

سند شماره ۱

[شیر و خورشید]

دانشگاه تهران

تاریخ: ۲۰ آذر ماه ۱۳۴۷، ضمیمه: ۵ برگ مدارک و چهار برگ ضمیمه گزارش

مقام محترم معاونت تعلیماتی و تحقیقاتی

دانشکده هنرهای زیبا

چنان که استحضار دارند، آقای نورعلی برومند، استاد موسیقی سنتی این دانشکده، از بدو تأسیس رشته و گروه موسیقی در این دانشکده، به امر تدریس موسیقی اصیل ایرانی اشتغال دارند و در این مدت چند سال توانستند شاگردان ممتازی تربیت کرده و



جلوه داد که در مراجعت به وطن، موسیقی خود را نوعی موسیقی عقبمانده و ابتدایی تلقی نمایند و در تحولات اجتماعی، فرهنگی، صنعتی، و علمی که به دست همین روشن فکران طی نیم قرن اخیر در این ممالک انجام گرفته، موسیقی ملی خود را نیز در شمار سایر مظاهر علمی و فنی، مانند طب و صنعت، قابل اصلاح و تقلید به وسیله روشهای آموزشی مغربزمین بدانند و پیش از آنکه مسائل پیچیده تلفیق این روشها، چنانکه با سیر تحول طبیعی موسیقی ملی مغایر نباشد و از اصالت آن نگاهد و آن را در مسیر منطقی و علمی پیش برد روشن گردد، عجولانه این روشها را در تعلیم و تدریس موسیقی به نسل جوان به کار برند.

با این طرز فکر، مسئولان آموزش موسیقی در ممالک شرق از پنجاه سال پیش با بی‌مبالاتی غیرقابل‌بخششی استادان قدیمی موسیقی را، که روشهای سنتی موسیقی را از هزاران سال پیش نسل به نسل و سینه به سینه حفظ کرده بودند، چنان در معرض بی‌اعتنایی نسل جوان قرار دادند که به ندرت داوطلبی برای تحصیل و تعلیم موسیقی سنتی و ملی به آن استادان مراجعه می‌کرد؛ و آنان که در این راه قدم می‌گذازدند مورد تحقیر همسالان خود قرار می‌گرفتند. نتیجه این رفتار آنکه موسیقی‌دانانی که در ممالک مشرق‌زمین با موسیقی ملی خود آشنایی کامل داشته باشند انگشت شمارند و چون اغلب آنان در سنین آخر عمر به سر می‌برند، طی نیم قرن اخیر یک‌به‌یک دار فانی را وداع گفته و در هر مملکت چند نفری بیشتر باقی نمانداند.

اهمیت ردیف موسیقی ایرانی را به دانشجویان تفهیم نمایند. چون حفاظت موسیقی اصیل ایران، که به نام ردیف موسیقی ایران توصیف می‌شود، در کنگرها و سمپوزیوم‌های متوالی بین‌المللی در تهران، توکیو، رم، بغداد، فیلیپین، و اخیراً دوباره در تهران با شرکت موسیقی‌شناسان بنام تأکید و توصیه گردید، دانشکده این وظیفه مهم ملی را نصب‌العین قرار داده و در برنامه رشته موسیقی جزء اصول بنیادی گنجانده است.

بر جناب عالی پوشیده نیست که از پنجاه سال پیش تا کنون، تعلیم و تدریس موسیقی در ممالک خاورمیانه و شرق دور، دوره تحولی را می‌پیماید که مراحل آن از آشنایی ملل این ممالک به فرهنگ جدید غرب آغاز شده است. اعزام محصلین به اروپا و آمریکا برای تحصیل علوم و فنون جدید و آشنایی آنان به موسیقی غربی و تجسم چشم‌گیر این موسیقی به وسیله ارکسترهای بزرگ و آوازه‌های دسته‌جمعی و نظم و ترتیبی که در اجرای قطعات آن رعایت می‌شود همراه با سایر مظاهر هنری، مانند اپراها و فستیوال‌ها و همچنین برخورد اجتماعی مردم این قاره‌ها با هنر موسیقی خود، که تالارهای مجلل برای اجرای آن ساخته و با شوق و احترام خاص با خرید بلیت برای شنیدن آثار موسیقی‌دانان خود در آن تالارها حاضر می‌شوند و حمایتی که از طرف دولت و مسئولان امر به طبقه موسیقی‌دان و حفظ حقوق آنان به عمل می‌آید، همه این عوامل از یک طرف، و عدم وقوف این محصلین به ارزش هنری موسیقی ملی خود از طرف دیگر، چنان موسیقی غربی را در نظر روشنفکران ممالک شرق باشکوه



توجهی که به این امر ملی معطوف می‌گردید، رغبتی برای تدریس نشان نمی‌دادند؛ چون تأسیس رشته موسیقی را در دانشکده کاری اساسی دانسته و در نگهداری سنت موسیقی ایران به فال نیک گرفته و در این وظیفه ملی خود را شریک دانستند، دعوت فوق را پذیرفته و با کمال علاقه به تدریس پرداخته‌اند.

آقای نورعلی برومند پس از طی تحصیلات متوسطه و اخذ لیسانس علوم طبیعی، تحصیلات عالی خود را تا حدود خاتمه تحصیل (یک سال مانده به دوره دکتری) ادامه دادند (مدرک شماره ۱، ارزشنامه تحصیلی). قبل از عزیمت به آلمان و ابتدای جوانی، با عشق و علاقه خاصی طی سالهای متوالی، یک دوره کامل موسیقی ایرانی را با تار نزد استاد بزرگ، درویش‌خان، تعلیم گرفته و پس از مسافرت به آلمان نیز مرتباً با اسباب‌های موسیقی و ردیف موسیقی ایران تماس داشته‌اند.

از سال ۱۳۱۷ به بعد که فرصت بیشتری یافته‌اند، نواختن سازهای سه‌تار و سنتور را نزد اساتید فن، مانند حبیب سماعی، حسین هنگ‌آفرین، و به‌خصوص اسماعیل قهرمانی، که کلیه موسیقی دانان کشور به معلومات آنان در مورد ردیف موسیقی ایران معترف بوده‌اند، فراگرفته و ردیف آواز را با استاد بزرگ، طاهرزاده، تکمیل نموده‌اند و تاکنون نیز هیچ‌گاه از مطالعه ردیف‌ها و گوشه‌های اصیل موسیقی ایرانی غافل نمانده‌اند. و اکنون که استادان فوق همگی دارفانی را وداع گفته‌اند، بدون مجامله می‌توان ایشان را وارث حقیقی گنجینه گران‌بهای موسیقی ملی دانست.

تدریس آقای برومند در دانشکده از بدو تأسیس رشته موسیقی مورد توجه مؤسسات تحقیقاتی موسیقی شناس دنیا قرار گرفت؛ چنانچه طی چند سال گذشته، عده‌ای از موسیقی شناسان بنام دنیا به منظور تحقیق در چگونگی روش تدریس موسیقی سنتی به دانشکده آمده و در درس ایشان حضور یافته‌اند؛ از آن جمله‌اند پروفیسور آلن دانیلو، مدیر انستیتوی بین‌المللی مطالعات مقایسه‌ای

بعضی از ممالک به این تصور پی برده و پیش از آنکه خطر چیرگی موسیقی غربی بر سراسر فعالیتهای موسیقی کشور موسیقی ملی را دست‌خوش اضمحلال کامل نماید، در صدد چاره‌جویی برآمدند. از آن جمله‌اند ژاپن، که نماینده‌اش در کنفرانس بین‌المللی «آموزش موسیقی در کشورهای شرق» (در تهران از ۱۶ تا ۲۱ شهریور ۱۳۴۶)، اظهار نمود: «چند سال پیش وزارت آموزش ژاپن پی به اهمیت موسیقی سنتی برد و بخشی از برنامه را به این موسیقی اختصاص داد. این توجه در نتیجه اقبال مردم ژاپن به این موسیقی بود. این دگرگونی را باید با این مثال بیان کرد که ژاپنیان در ابتدای کار به موسیقی اروپایی، مثلاً به بتهوون، گویی از پایین کوه به قله می‌نگریستند؛ و پس از آنکه اندک‌اندک از کوه بالا رفتند و به قله رسیدند، یعنی در مکتب‌های موسیقی غربی به درجه نهایی رسیدند، قله دیگری جلب نظر ایشان را نمود و آن موسیقی سنتی ژاپنی بود.»

دانشکده هنرهای زیبا از بدو تأسیس رشته موسیقی، با روشن بینی خاص و اینکه هرگونه تحول موسیقی ایران باید بر مبنای سنن قدیمی موسیقی ایرانی استوار باشد، درصدد جبران این نقیصه برآمد؛ و از آنجا که آقای نورعلی برومند در اثر ممارست مداوم و علاقه‌مندی وافر، شاید بدون اغراق تنها وارث سنت قدیمی موسیقی ایران می‌باشند، از ایشان دعوت به عمل آورد که تدریس و تعلیم موسیقی سنتی ایران را به عهده بگیرند. مشارثیه، که تاکنون در هیچ‌یک از مؤسسات دولتی و آموزشگاه‌ها، به سبب عدم

موسیقی در برلن، آقای دکتر تران وانکه، مدیر مرکز مطالعات موسیقی شرقی در انستیتوی موزیکولوژی پاریس، وابسته به سوربن، و آقای پروفیسور رینگر، مدیر گروه موسیقی دانشگاه ایلنوی.

آقای برومند در سال ۱۹۶۷ برای ایراد سخنرانی و تدریس موسیقی ایرانی در دانشگاه ایلنوی به آمریکا دعوت شدند (مدرک شماره ۲) و نتیجه کارشان در معرفی فرهنگ موسیقی ایران در آنجا بسیار ثمربخش بود (مدرک شماره ۳). اکنون نیز از طرف آن دانشگاه، آقای پروفیسور تل با استفاده از بورس فول برایت به دانشگاه تهران آمده و نزد آقای برومند به فراگرفتن اصول موسیقی ایرانی مشغولاند، که در مراجعت به دانشگاه ایلنوی، منابعی برای گروه موسیقی آن دانشگاه فراهم سازند. آقای تل ضمن گزارشی، نظریه خود را مبنی بر لزوم تقویت گروه موسیقی دانشگاه ابراز داشته‌اند (مدرک شماره ۴).

با توجه به مقدمات فوق و اهمیتی که تدریس موسیقی سنتی در دانشگاه دارد و در این زمینه مدرسی غیر از آقای برومند در ایران وجود ندارد؛ و با توجه به سوابق علمی و فنی آقای نورعلی برومند؛ شورای گروه موسیقی دانشگاه هنرهای زیبا مقام استادی ایشان را تصدیق و برای تصویب در شورای دانشگاه پیشنهاد می‌نماید. به منظور جلب نظر آقایان اعضای شورا، دنباله گزارش آقای پروفیسور کی شبیه، نماینده ژاپن در کنفرانس بین‌المللی آموزش موسیقی در تهران، که در بالا به آن اشاره شد، عیناً نقل می‌شود: «... وزارت آموزش و پرورش ژاپن روشی برای نگهداری و حفظ موسیقی سنتی با وضع کردن یک قانون در پیش گرفته است. این قانون به گروهی از موسیقی دانان نامی عنوان میراث ملی داده و ایشان را رسمیتی خاص بخشیده است. این امر موجب تشویق موسیقی سنتی شده است [۰۰۰]. در پایان می‌خواهم پیشنهاد کنم که کشورهایی که می‌خواهند موسیقی کشور خود را مدرنیزه کنند، نباید از موسیقی سنتی خود غفلت ورزند، آنچنان که ژاپن تا صد سال چنین کاری کرد؛ زیرا من معتقدم که هر کشوری با حفظ موسیقی مخصوص خود می‌تواند به گنجینه موسیقی جهان خدمتی شایان کند.»

گروه موسیقی دانشگاه هنرهای زیبا

[امضا: دکتر برکشلی]

[حاشیه راست، اول:]: جناب مظاهری، در شورا [ی دانشگاه]

مطرح گردید. [امضا: محمدمین میرفندرسکی] ۴۷/۹/۱۸

[حاشیه راست، دوم:]: در جلسه مورخ ۴۷/۹/۲۷ شورای دانشگاه

هنرهای زیبا مطرح و استادی ایشان مورد تصویب قرار گرفت.

[امضا: مظاهری] ۳۳

پس از ارسال این نامه، محمدمین میرفندرسکی، معاون تعلیماتی و تحقیقاتی دانشکده، به منظور تکمیل پرونده ارتقای رتبه برومند، از دو نفر از شخصیت‌های بارز علمی و هنری دانشگاه تهران تقاضا کرد تا در خصوص صلاحیت او برای کسب مقام استادی اظهار نظر کنند.^{۳۴} علی محمد حیدریان، دایمی برومند و استاد دانشگاه و نقاش معروف، یکی از این شخصیت‌ها بود که اظهار کرد:

استادی آقای نورعلی برومند در زمینه موسیقی اصیل ایرانی قوی است که هنرمندان طراز اول این کشور جملگی بر آن‌اند. من تصدیق می‌کنم که آقای برومند تنها وارث شایسته و ممتاز هنر موسیقی سنتی ایران می‌باشد.^{۳۵}

اما اظهار نظر دکتر محسن هشترودی، استاد دانشکده علوم دانشگاه تهران، حاوی توصیف‌ها و نکات ویژه‌ای درباره برومند است:

سند شماره ۲

۱۴ بهمن ماه ۱۳۴۷

متجاوز از چهل و پنج سال است که امضاکننده، محسن هشترودی، آقای نورعلی برومند را می‌شناسم و از همان زمان که هم‌شین دبیرستانی بودیم، میزان اطلاع و علاقه ایشان به موسیقی زبانزد همکاران تحصیلی بود. وسعت اطلاع ایشان در سال‌های اخیر با ممارست فنی و درک هنری عمیق، ایشان را به استادی مسلم موسیقی کلاسیک ایرانی اصیل نائل ساخته است. حدیث هنرشناسی از بی‌بصیرتی چون من دعوی باطل به نظر می‌رسد؛ ولی ساعات و روزگارهایی که در محضر استاد، مستفید از پنجه توانای او بودم، هنوز مرا به خاطر است که چگونه تارهای بی‌جان آلات موسیقی به سرانگشت سحرآفرین او گویای رازهای درون مستمعین می‌گردید و چه ناله‌هایی در سکوت مطلق در خاطر آشفته‌گان، سوز غوغا می‌کرد.

گذشت ایام بر هنرمندان چون مردم عادی نیست و بی‌شک کمال نفسانی آنان در پوشیدگی و خفا صورت می‌گیرد. اگر ملاک استادی حصول این کمال باشد، آقای برومند شایسته‌ترین فردی است، که استادان دیگر را با همکاری خود سرفراز و دلخوش می‌سازد. امضاکننده شایستگی آقای برومند را به استادی از صمیم دل و نهان‌خانه ضمیر تصدیق می‌کنم؛ نه از جهت افتخاری که به استادی نائل شده‌ام، بلکه از جهت بستگی درونی که با هنر

سحرآفرین استاد توانا، آقای برومند، داشته و دارم. در این داستان، زمان از گذشت می‌ایستد و ارزش هنری را جز با بی‌خودی نمی‌توان شناخت. «دقیقه‌ای است نهانی که فضل از آن خیزد»؛ و در این آنات، ابدیت جلوه می‌کند و از همان لیلۀ تقدیری است که قرآن مجید به «سلام» می‌حسّی مطلع الفجر» یاد می‌کند.

استاد دانشکده علوم

محسن هشترودی [امضا]^{۳۶}

سراخام، پس از مکاتبات و طی مراحل اداری، برومند به استناد بند ۵ مصوبه بیستمین جلسه هیئت امنای دانشگاه تهران، از اول دی ماه ۱۳۴۸ با حقوق ماهی چهل هزار ریال به سمت استاد تمام وقت گروه موسیقی دانشکده هنرهای زیبا منصوب شد^{۳۷} و پس از خدماتی ارزنده و ماندگار به دانشجویان و گروه موسیقی دانشکده هنرهای زیبا، از اول مهرماه ۱۳۵۵ بازنشسته شد.^{۳۸}

یکی دیگر از مراکزی که برومند در آن منشأ خدماتی ارزنده به موسیقی سنتی کشور شد و در آنجا به تربیت شاگردانی برای نسل‌های بعد پرداخت مرکز حفظ و اشاعه موسیقی ملی بود. این مرکز، که زیر نظر رادیو و تلویزیون ملی ایران بود، در سال ۱۳۴۹ش با هدف «بازسازی و اشاعه موسیقی سنتی ایران» با مسئولیت اداری داریوش صفوت و مسئولیت هنری نورعلی برومند تأسیس شد.^{۳۹} به اعتبار حضور برومند، این مرکز محفلی برای تدریس استادان بزرگی همچون عبدالله دوامی و علی‌اکبر شهنازی و اصغر بهاری شد. برومند پس از چند سال فعالیت در این مرکز، هنگامی که احساس کرد شیوه‌ای که مدیر مرکز برای اشاعه و پیشبرد موسیقی سنتی ایران در پیش گرفته مغایر با اهداف اولیه آن است، در تاریخ ۱۰ مهرماه ۱۳۵۲ از همکاری با مرکز استعفا^{۴۰} و به تدریس در دانشگاه تهران و منزل خود اکتفا کرد.^{۴۱} از دیگر فعالیتهای برومند می‌توان به پیشنهاد برگزاری آزمون باربد، شش ماه پیش از وفات،^{۴۲} همکاری با روح‌الله خالقی در تدوین کتاب سرگذشت موسیقی ایران، ضبط ردیف میرزا عبدالله به منظور تکثیر برای هنرجویان، ضبط ردیف حسین طاهرزاده با صدا و همراهی سه‌تار برومند، جمع‌آوری تصانیف و اشعار آنها و ضبط آثار قدیمی^{۴۳} و تدریس چند هفته‌ای در دانشگاه ایلینوی (ایلینویز) امریکا در سمت استاد مدعو در سال

۱۳۴۶ یاد کرد.^{۴۴}

همچنین باید از تربیت شاگردان بسیاری، همچون محمدرضا شجریان و سید نورالدین رضوی سروستانی در آواز؛ حسین علیزاده، داریوش طلایی، محمدرضا وطنی، جلال ذوالفنون در تار و سه‌تار؛ مجید کیانی، جلیل عندلیبی، هوشنگ کامکار، پرویز مشکاتیان در سنتور؛ محمدعلی حدادیان و محمدعلی کیانی‌نژاد در نی؛ داود گنج‌های و علی‌اکبر شکارچی در کمانچه یاد کرد، که هر کدام از آنها بعدها از استادان برجسته در رشته خود شدند.^{۴۵}

برومند سراخام در دوم بهمن ۱۳۵۵ش در هفتادسالگی بر اثر سکته قلبی درگذشت و در قبرستان ظهیرالدوله تهران به خاک سپرده شد.^{۴۶}

در اوایل دهه ۱۳۵۰ش، سازمان رادیو و تلویزیون ایران ردیف نورعلی برومند را ضبط کرد و بعدها به صورت غیررسمی، با کیفیتی نامطلوب، منتشر کرد. در سال ۱۳۷۰ش نیز ژان دورینگ، شاگرد فرانسوی برومند، متن ثبت‌نویسی شده آن را همراه با نوارهای برومند در تهران منتشر کرد. مجموعه اجراهای برومند به صورت نوار همراه با کتاب نت ردیف او نیز در سال ۱۳۷۲ش منتشر شد.^{۴۷}

در پایان، زندگی‌نامه مختصری به روایت خود برومند عرضه می‌شود، که هم بسیار معتبر است و هم نکته‌های جالبی در بر دارد:

سند شماره ۳

این‌جانب، نورعلی برومند، فرزند میرزا عبدالوهاب‌خان برومند، در سال ۱۲۸۵ شمسی در تهران متولد شدم. تحصیلات ابتدایی را در مدارس خرد و شرف مظفری به پایان رسانیده و دوره دبیرستان را تا کلاس هشتم در مدرسه دارالفنون طی نمودم. سپس برای ادامه تحصیل به آلمان عزیمت، در شهر برلن مشغول تحصیل شدم. سپس به ایران مراجعت و مدت یک سالی را که در ایران بودم، برای تکمیل زبانهای فرانسه و انگلیسی کوشش فراوان کردم و تمام این مدت را به ادامه تحصیل در این دو زبان به سر بردم؛ و بعد از این یک سال توقف در ایران، در سال ۱۳۰۸ برای ادامه تحصیلات خود در رشته عالی مجدداً به برلن عزیمت و وارد دانشکده طب دانشگاه دولتی فردریش‌ویلهلم در برلن شدم. شش سمستر را (دو سال و نیم) طی کرده و با موفقیت امتحان اولیه دوره طب (فیزیکوم) را انجام دادم. بعد از امتحان اولیه طب، پنج سمستر دیگر را طی کردم

تقدیر از شماست که در این سال است که من در این رشته تحصیلی خود را ادامه دادم و به تدریس زبان و ادبیات آلمانی اشتغال جستم. در سال ۱۳۴۳ شمسی، به درخواست دانشکده هنرهای زیبای تهران مشغول تدریس و تحقیق موسیقی ایرانی در آن دانشکده شده و با علاقه و پشتکار تاکنون تدریس این رشته را ادامه داده‌ام.

راجع به تحصیل و کارهای هنری:
 این جانب از زمان طفولیت ذاتاً به موسیقی عشق و علاقه می‌ورزیدم؛ و چون پدرم غالباً با بزرگان اهل هنر و موسیقی حشر و نشر داشت و اکثر اساتید فن موسیقی اطراف او جمع بودند، نواهای موسیقی در روحم اثر فراوان گذاشته بود؛ به طوری که در سن هفت سالگی با نواختن ضرب بمخوبی آشنایی پیدا کردم و در همان ایام، نوازندگی اساتید بزرگ را با ضرب همراهی می‌کردم و تشویق اساتید مرا در تعقیب این هنر، که خود فریفته آن بودم، پیش از پیش ترغیب می‌کرد. در سن سیزده سالگی، چون ایام تعطیل تابستان فرارسید، پدرم که خود اهل هنر بود، مرا در تحصیل موسیقی و خوشنویسی تشویق کرد و در انتخاب و تعقیب یکی از این دو هنر مختار نمود. من هم به سائقه ذوق شخصی به موسیقی، دنبال این رشته از هنر را گرفتم. مدت سه سال نزد غلامحسین خان درویش، استاد مسلم تار زمان، یک دوره ردیف‌های اصیل موسیقی ایران را نواختم و فرا گرفتم. به واسطه عزیزت من به اروپا برای ادامه تحصیل، مدت یکی دو سال تعقیب رشته هنری من متوقف شد؛ ولی از آنجا که موسیقی مرا به سمت خود می‌کشاند، وارد دنیای موسیقی غرب شدم و آهنگ‌های غربی و اختلاف آهنگ‌سازان آنها مرا به خود مشغول می‌نمود و در آن دنیای پر عظمت هنر، به تدریج این اختلافات را مورد مطالعه قرار می‌دادم. و پس از چند سال، تقریباً تمام تصنیفات و تألیفات آهنگ‌سازان بزرگ دنیا در خاطر من نقش بسته و تمیز و تشخیص آنها برایم میسر بود. مریان من در آن زمان که این استعداد را در من مشاهده نمودند، مرا تشویق کردند که به تحصیل موسیقی غربی بپردازم و چند سالی در این رشته تحصیل و مطالعه کردم و پیانو نواختم.

حس ملیت و اطلاعات من در موسیقی ایرانی این آرزوی مرا که همیشه با خود فکر می‌کردم که لازم است تحقیق و مطالعه فراوان در موسیقی کشور خود بنمایم، از بدو مراجعت به ایران، یعنی از سال ۱۳۱۷ شمسی برای انجام این کار بزرگ و دقیق کمر همت بستم و تا کنون لحظه‌ای از آن غافل نبودم؛ به طوری که استاد مطلع و سرشناسی در مملکت نبود که از محضرش استفاده نکنم و با از شاگردی‌اش بهره‌مند نشوم؛ و تمام هم و قصد من این بود که آنچه آنها دارند فراگیرم. به همین نظر، مدت دوازده سال نزد حبیب

(در مدت دو سال و نیم). موقعی که می‌خواستم خود را برای امتحان نهایی طب آماده نمایم، حادثه غیرمنتظره‌ای برای این جانب پیش آمد کرد؛ به این معنا که چشمم خونریزی شدید نمود. اطبای متخصص چشم، که خود اساتدان این جانب در دانشکده بودند، مرا منع از دادن امتحان و کار زیادتر کردند. در نتیجه اجباراً به معالجه چشم پرداختم و به توصیه اطبا، که شدیداً مرا از کار طبابت منع می‌نمودند، تاگزیر به ترک رشته پزشکی شده و به تهران مراجعت نمودم.

ضمناً در مدت چهارده سالی که در اروپا مقیم بودم، به مناسبت عشق و ذوقی که شخصاً به زبان و ادبیات داشتم، علاوه بر تحصیل این دو زبان، مسافرت‌هایی که در ایام تعطیلات به شهرهای فرانسه و انگلستان و بلژیک می‌کردم، به تسلط من در این دو زبان کمک فراوان می‌کرد. تسلط و علاقه شخصی من به این سه زبان و ادبیات آنها، مرا پس از مراجعت به ایران بر آن داشت که به تدریس زبان مشغول شوم. به همین مناسبت، به استخدام وزارت فرهنگ وقت (آموزش و پرورش کنونی) در آمدم و از سال ۱۳۱۸ شمسی تا سال ۱۳۴۳ در هنرسرای عالی و دانشکده ادبیات دانشگاه تهران

سماعی، که بزرگترین و آخرین استاد مطلع این ساز شناخته بود، به زدن سنتور و آموختن ردیف و آگاهی به رموز نوازندگی این ساز مشغول شدم. و مدت سیزده سال از یکی از اساتید تار، به نام اسماعیل قهرمانی، که به دانستن ردیف موسیقی ملی مشهور بود و از معمرین اهل فن به شمار می‌آمد، استفاده کردم و تمام مطالبی که این استاد از موسیقی ملی ایران در ضبط داشت آموختم و نواختم. و با اینکه از صوت خوش بی‌نصیب بودم، برای اطلاع از رموز خوانندگی، از وجود یکی از مشهورترین خوانندگان اصیل عصر خود، به نام سیدحسین طاهرزاده، استفاده کردم و آنچه طاهرزاده در خوانندگی خود به کار می‌برد آنها را به وسیله خود از روی نوار ضبط کردم و به تبع و مطالعه دقیق روی آنها می‌پرداختم، تا بتوانم حالات الحان و نغمات ملی را هم روی ساز و هم روی آواز به‌خوبی مقایسه کنم و خصوصیات آنها را دریابم.

با توجه به اینکه سه‌تار یکی از سازهای اصیل و قدیمی و کامل موسیقی ایرانی است و معمولاً بزرگان اهل دل و دانشمندان صاحب ذوق و هنر از آن استفاده می‌کردند و از سازهای مجالس عیش و طرب نبود؛ این ساز، که نواختن آن دارای رموز و خصوصیات بود، مرا بر آن داشت که در نوازندگی این ساز اصیل و اهل دل هم کوشش کنم. این بود که از چند تن استاد مسلم این فن استفاده کردم و سال‌ها در آن تمرین و ممارست نمودم. خلاصه آنکه هر کجا و هر گوشه که اطلاع پیدا می‌کردم که آهنگ اصیلی وجود دارد، اقدام در آموختن و به دست آوردن آن می‌کردم و آنها را در مغز خود ضبط می‌نمودم؛ و هنوز نیز در جستجوی آهنگهای اصیل هستم.

در سال ۱۳۴۵ شمسی، با آقای پروفسور دکتر نل، که برای مطالعه موسیقی ایرانی از دانشکده موسیقی دانشگاه ایلینویز به تهران آمده بود، تصادف کردم؛ و مشارالیه پس از دو جلسه که از اطلاع من به موسیقی ملی ایران و قوف حاصل کرد، اقدام نمود که دانشگاه ایلینویز رسماً به وسیله دانشکده هنرهای زیبای تهران از این جانب دعوت به عمل آورد که مدت یک ماه یا چند ساعت تدریس در هفته به عنوان «ویزیتینگ پروفسور» در دانشکده دانشگاه ایلینویز دانشجویان فوق‌لیسانس آن دانشکده را به موسیقی ایرانی وارد نمایم. این کار با موفقیت فوق‌العاده انجام شد و مدارک این موفقیت در پرونده موجود و شاهد آن است. موفقیت این جانب به اندازه‌ای بود که دانشجویان و اساتید آمریکایی به طوری علاقمند به موسیقی ملی ما شدند که هم اکنون آقای پروفسور نل مجدداً برای مطالعه موسیقی ملی ما برای مدت یک سال به تهران آمده و با راهنمایی این جانب مشغول تبع و تحقیق و تمرین است و به حفظ روابط هنری

دانشگاه ایلینویز با دانشکده هنرهای زیبا تمایل بسیار دارد. با تقدیم احترام نورعلی برومند^{۴۸}

کتاب‌نامه

- بهراری، اصغر. «نورعلی خان، موسیقی مجسم بود». در: احمد کریمی (و.)، نورعلی برومند، زنده‌کننده موسیقی اصیل ایران.
- برکشلی، مهدی. «مرگ برومند، فقدان جبران‌ناپذیر». در: احمد کریمی (و.)، نورعلی برومند، زنده‌کننده موسیقی اصیل ایران.
- برومند، محمودعلی. «گفت‌وگو با مهندس محمودعلی برومند». در: احمد کریمی (و.)، نورعلی برومند، زنده‌کننده موسیقی اصیل ایران.
- پرونده پرسنلی نورعلی برومند. در: بایگانی راکد دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران.
- حدادیان، محمدعلی. «استاد استادان». در: احمد کریمی (و.)، نورعلی برومند، زنده‌کننده موسیقی اصیل ایران.
- خالقی، روح‌الله. «خالقی از برومند می‌گوید». در: احمد کریمی (و.)، نورعلی برومند، زنده‌کننده موسیقی اصیل ایران.
- شکارچی، علی‌اکبر. «برومند؛ انسان، هنرمند، مری». در: احمد کریمی (و.)، نورعلی برومند، زنده‌کننده موسیقی اصیل ایران.
- علیزاده، حسین. «استاد برومند و مرکز حفظ و اشاعه موسیقی ملی». در: احمد کریمی (و.)، نورعلی برومند، زنده‌کننده موسیقی اصیل ایران.
- _____ . «از اولین تا آخرین دیدار». در: احمد کریمی (و.)، نورعلی برومند، زنده‌کننده موسیقی اصیل ایران.
- قهرمانی، اسماعیل. «درختی برومند». در: احمد کریمی (و.)، نورعلی برومند، زنده‌کننده موسیقی اصیل ایران.
- کامکار، پشنگ. «مردی بزرگ با روحی بزرگ». در: احمد کریمی (و.)، نورعلی برومند، زنده‌کننده موسیقی اصیل ایران.
- کریمی، احمد (و.)، نورعلی برومند، زنده‌کننده موسیقی اصیل ایران. تهران: دوست، ۱۳۸۰.
- لطفی، محمدرضا. «شیوه نوازندگی و نگرش استاد برومند به موسیقی سنتی ایران». در: احمد کریمی (و.)، نورعلی برومند، زنده‌کننده موسیقی اصیل ایران.
- میرعلی‌نقی، علیرضا. مدخل «برومند، نورعلی». در: دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، ۱۳۷۸.
- نیل، برونو. «نورعلی برومند، استاد موسیقی». در: احمد کریمی (و.)، نورعلی برومند، زنده‌کننده موسیقی اصیل ایران.

پی‌نوشت‌ها:

۱. عضو هیئت علمی فرهنگستان هنر
۲. اصغر بهاری، «نورعلی خان، موسیقی مجسم بود»، ۳۸.
۳. مهدی برکشلی، «مرگ برومند، فقدان جبران‌ناپذیر»، ۴۲.
۴. پشنگ کامکار، «مردی بزرگ با روحی بزرگ»، ۱۳۵.
۵. علی‌اکبر شکارچی، «برومند؛ انسان، هنرمند، مربی»، ۱۱۷.
۶. روح‌الله خالقی، «خالقی از برومند می‌گوید»، ۲۸.
۷. پرونده پرسنلی نورعلی برومند (سند شماره ۳ در مقاله حاضر)، بایگانی راکد دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران.
۸. محمودعلی برومند، «گفت‌وگو با مهندس محمودعلی برومند»، ۶۶.
۹. پرونده پرسنلی نورعلی برومند.
۱۰. محمودعلی برومند، «گفت‌وگو با مهندس محمودعلی برومند»، ۶۶-۶۷.
۱۱. پرونده پرسنلی نورعلی برومند.
۱۲. محمودعلی برومند، «گفت‌وگو با مهندس محمودعلی برومند»، ۴۷.
۱۳. همان‌جا.
۱۴. برونونیل، «نورعلی برومند، استاد موسیقی»، ۲۰۰.
۱۵. محمودعلی برومند، «گفت‌وگو با مهندس محمودعلی برومند»، ۴۷.
۱۶. برونونیل، «نورعلی برومند، استاد موسیقی»، ۲۰۰.
۱۷. پرونده پرسنلی نورعلی برومند.
۱۸. محمودعلی برومند، «گفت‌وگو با مهندس محمودعلی برومند»، ۴۷.
۱۹. پرونده پرسنلی نورعلی برومند.
۲۰. برونونیل، «نورعلی برومند، استاد موسیقی»، ۲۰۲.
۲۱. پرونده پرسنلی نورعلی برومند.
۲۲. همان.
۲۳. همان.
۲۴. اسماعیل قهرمانی، «درختی برومند»، ۳۱-۳۲.
۲۵. پرونده پرسنلی نورعلی برومند.
۲۶. محمدعلی حدادیان، «استاد استادان»، ۸۳.
۲۷. پرونده پرسنلی نورعلی برومند.
۲۸. همان.
۲۹. همان.
۳۰. محمودعلی برومند، «گفت‌وگو با مهندس محمودعلی برومند»، ۵۶.
۳۱. پرونده پرسنلی نورعلی برومند.
۳۲. پرونده پرسنلی نورعلی برومند، سند ش ۳۳۱۳.
۳۳. همان‌جا.
۳۴. پرونده پرسنلی نورعلی برومند، سند ش ۶۸۸۵.
۳۵. همان، ضمیمه سند ش ۶۸۸۵.
۳۶. پرونده پرسنلی نورعلی برومند.
۳۷. همان، ضمیمه سند ش ۴۵۸۱.
۳۸. همان، صورت جلسه مورخ ۱۳۵۵/۸/۲۶ شورای دانشکده.
۳۹. حسین علیزاده، «استاد برومند و مرکز حفظ و اشاعه موسیقی ملی»، ۲۲۵.
۴۰. محمودعلی برومند، «گفت‌وگو با مهندس محمودعلی برومند».

۴۱. حسین علیزاده، «از اولین تا آخرین دیدار»، ۱۳۱.

۴۲. محمودعلی برومند، «گفت‌وگو با مهندس محمودعلی برومند»، ۶۱.

۴۳. محمدرضا لطفی، «شیوه نوازندگی و نگرش استاد برومند به موسیقی سنتی ایران»، ۱۸۶.

۴۴. «نورعلی برومند، استاد موسیقی»، ۲۰۵.

۴۵. محمدعلی حدادیان، «استاد استادان»، ۸۲-۸۳.

۴۶. علیرضا میرعلی‌نقی، «برومند، نورعلی».

۴۷. همان‌جا.

۴۸. پرونده پرسنلی نورعلی برومند.